

قضازدایی از دعاوی خانواده^۱

علمی - پژوهشی

سعیده بیگدلی *

محمدجواد عبداللهی **

عباس فلاح ***

چکیده

حل و فصل دعاوی خارج از دادگاه مورد توجه بسیاری از نظام‌های حقوقی قرار گرفته است. این موضوع در قبال دعاوی خانواده که بانظم و مصالح عمومی ارتباط نزدیک دارد، دارای ضوابط و اهداف مشخص است. پژوهش حاضر با تکیه بر اسناد کتابخانه‌ای و با تأکید بر منابع معتبر فقهی و قوانین موضوعه و با توجه به ضوابط و اهداف حاکم، به توصیف و تحلیل راهکارها و آثار اجرای این رویکرد حقوقی در دعاوی خانواده پرداخته است. این پژوهش درصدد پاسخ‌گویی به این سؤال است که راهکارهای قضازدایی در دعاوی خانواده چیست؟ نهادهای قضازدایی در حقوق ایران کدام است؟ یافته‌های پژوهش نشان داد که اعمال این رویکرد با استفاده از نهادهای داوری، میانجی‌گری، گذشت، چشم‌پوشی و معاضدت در رابطه با دعاوی خانوادگی می‌تواند به کاهش حجم پرونده‌ها، کاهش جمعیت کیفری، کاهش بار مالی دولت، تعادل میان اصول قضامندی و قضازدایی و افزایش ضریب اعتماد عمومی نسبت به قوه قضائیه و به موازات آن تحکیم خانواده منتهی شود.

کلیدواژه‌ها: قضازدایی، دعاوی خانواده، داوری، میانجیگری، شورای حل اختلاف.

۱- تاریخ وصول: (۱۴۰۰/۱۱/۲۲) تاریخ پذیرش: (۱۴۰۱/۱۴/۱۵)

* کارشناس ارشد حقوق خانواده، گروه حقوق، واحد خمینی‌شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

saeide.bigdeli^{۵۷}@gmail.com

** استادیار گروه حقوق، واحد خمینی‌شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. (نویسنده مسؤول)

abdollahi@yahoo.com

*** استادیار مدعو گروه حقوق، واحد خمینی‌شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

a.fallah^{۳۱۳}@yahoo.com

۱- مقدمه

شهروندان از لوازم و زیرساخت‌های لازم برای تأمین عدالت اجتماعی و یک زندگی شرافتمندانه باید برخوردار باشند. مدیران ارشد دستگاه قضایی کشور در طول تاریخ دادگستری نوین، همواره در جستجوی روش‌های برای کاستن از حجم وسیع افزایش کمیّت دادرسی‌ها بوده‌اند. تخصّصی کردن دادگاه‌ها، تقویت دعاوی و نیز ارجاع رسیدگی مشاوران قضایی و نهادهای معاضدت قضایی نظیر کانون وکلا و به برخی دعاوی به خارج از محدوده دستگاه قضایی، از جمله راهکارهای مورداستفاده در این زمینه است که این امر موجب شده است تا سیاست‌های کلان مقنن و دستگاه قضا در راستای کاهش اختلافات و پرونده‌های ارجاعی به این دستگاه به سیاست‌های قضا‌دایانه معطوف گردد که البته در عمل نتوانسته است به درستی به کار گرفته شود. درک مفهوم قضا‌دایی و شناخت قلمروهای اجرایی و نحوه به‌کارگیری آن از مسائل مهم و حائز اهمیت است که ضرورت آشنایی با اصول و روش‌های آن بیش‌ازپیش بر مسئولان دستگاه قضایی کشور، نهادهای ذی‌ربط و کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی که به نحوی با این دستگاه در تعامل هستند، مورد تأکید است. اگرچه در سال‌های اخیر قضا‌دایی موردتوجه بیشتری قرار گرفته است اما این سیاست‌ها در حوزه امور کیفری و با مددجویی از مفاهیم مشابه نظیر جرم‌زدایی، کیفرزدایی و حبس زدایی بوده است. این در حالی است که در حوزه حقوقی و به‌ویژه دعاوی خانوادگی جز تراکم زدایی اقدامات عملی دیگری صورت نگرفته و میزان موفقیت کمتری کسب کرده است. از آنجایی که باید قوانین متناسب با دنیای امروز و وضعیت کنونی جامعه ما به تصویب برسد که در این معنا بسیاری از شکایات و دعاوی که ذات و جوهره پیچیده‌ی قضایی ندارند یا اصولاً دارای وصف قضایی نیستند باید به مراجع مرتبط غیر قضایی محول گردد. (نجفی، ۱۳۹۵، ۱۰).

در سیاست قضایی اسلام، کوشش‌هایی که گاه دارای ارزش خاصی هستند، به‌روشنی از گرایش قانون‌گذار اسلامی در امر قضاوت زدایی و پیمودن راه‌های غیر قضایی در حل و فصل دعاوی حکایت می‌کند. حکمیت و توافق طرفین، به‌ویژه در حل اختلافات خانوادگی نه‌تنها صلاحیت و اراده انحصاری قاضی حرفه‌ای را در رفع مخاصمات منتفی می‌سازد؛ بلکه رسیدگی‌های قضایی را در مواردی همچون طلاق در موقعیتی فرعی و ثانوی قرار می‌دهد؛ زیرا دخالت قاضی در شرایطی توجیه‌پذیر است که

تلاش‌های خیرخواهانه میانجی طرفین در قطع و فصل مخاصمات بی‌تأثیر بماند (صادقی، ۱۳۸۴: ۴۵). پیش‌بینی قضازدایی و ترغیب در تمسک به سازوکارهای متنوع دیگری مانند بزه‌پوشی، ترغیب به اقرار نکردن، تأکید بر دخالت سازمان‌های رسمی و دستگاه‌های قضایی را در روند رسیدگی به جرم منتفی می‌سازد و یا موقعیت آن را به‌صورت مداخله‌ای در حاشیه و نقش فرعی و ثانوی قرار می‌دهد. گرایش به قضازدایی نه تنها تصور سستی در نظام عدالت کیفری را در پی ندارد، بلکه با اجتناب از تماس مجرمان با مسئولان مبارزه مستقیم با بزهکاری، مانع عادی شدن این ارتباط می‌شود. وجه تمایز این پژوهش در این است که این مقاله به دنبال پاسخ دادن به این سؤال هست که قضازدایی در دعوای خانواده، چه تأثیری بر جامعه خواهد گذاشت؟ چه اقداماتی در این راستا صورت گرفته است؟ و اینکه در صورت این اقدام چه نتایج مثبت و منفی می‌تواند برای جامعه ما به همراه داشته باشد؟ در این راستا، ابتدا به بررسی مفهوم قضازدایی، ضوابط و اهداف قضازدایی پرداخته می‌شود و با بیان راهکارها و پیامدهای مثبت آن دنبال می‌شود. سپس آثار آن در دعوای خانواده بررسی خواهد شد. روش تحقیق در این پژوهش به‌صورت نظری و گردآوری اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای است و روش تجزیه و تحلیل و جمع‌بندی به‌صورت استدلالی و توصیفی خواهد بود.

۲- مفهوم قضازدایی

در کتاب‌های فرهنگ لغت این عنوان به‌صورت ترکیبی وجود ندارد بلکه به‌صورت واحد «قضا» و «زدایش» مطرح گردیده است. «قضا» را در لغت به معنی حکم کردن، ادا کردن، گزاردن آمده است (عمید، ۱۳۹۳، ۹۷۷).

مفهوم اصطلاحی قضازدایی را با توجه به آنچه در دانشنامه جرم‌شناسی آمده است می‌توان چنین تشریح نمود که این مفهوم عمدتاً در ارتباط با استفاده مقامات تعقیب جرم از جانشین‌های سنتی و کلاسیک کیفری در برخورد با جرائمی است که علیه قوانین کیفری ارتکاب می‌یابد. اثر چنین روشی خارج کردن فرد مظنون از فرایند رسیدگی قضائی کیفری بوده و ممکن است در هر مرحله‌ای از جریان رسیدگی صورت گیرد. مثلاً استفاده از اختیارات پلیس در بسیاری از نوشتارها مورد اشاره قرار گرفته است. تصمیم مقام تعقیب (اعم از پلیس و دادستان و ...) در عدم شروع پیگیری کیفری می‌تواند در هر زمانی قبل از شروع محاکمه صورت بگیرد یا ممکن است اتهامات پس گرفته‌شده و یا دلایل و شواهد مربوطه اقامه نگردد. (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۹۷، ۱۴۱). قضازدایی، راهکاری فنی برای

کاستن از تراکم دعاوی در مراجع رسمی دادگستری بوده و قطعاً نسبی است. نسبت راهکار یادشده، امری بدیهی و منطقی است زیرا قضازدایی مطلق در مفهوم تعطیل نهاد (دادرسی و دادگستری) و حذف وظیفه اساسی قضاوت (در مفهوم خاص آن) از زمره وظایف حکومت است. بدین ترتیب، به هیچ بهانه‌ای نمی‌توان، تمام اختیارات و اقتدارات قانونی برای تأمین عدالت قضایی را از دولت، سلب نمود. با تحقیق در منشأ اصطلاح قضازدایی، معلوم می‌شود که واژه انگلیسی^۱ از سوی حقوقدانان ایرانی به قضا زدایی، برگردانده شده است. (آنسل، ۱۳۹۵، ۱۰۷). بدین ترتیب، معلوم می‌شود که اصطلاح قضازدایی در مفهوم فنی، حقوقی و قضایی آن به کار نرفته و نوعی تسامح در تعبیر است. به نظر می‌رسد عبارت «تمرکززدایی از رسیدگی‌های قضایی» بهتر می‌تواند مفهوم ذاتی اصطلاح یادشده را منعکس سازد. مفهوم قضاوت و دادرسی از اعمال حاکمیت حکومت‌ها به شمار می‌آید. از این رو قوه قضاییه را نباید عهده‌دار اعمال تصدی یا حتی امور کم‌اهمیت یا شبه قضایی دانست؛ زیرا در این صورت قوه قضاییه از پرداخت به وظیفه اصلی خود که همانا اعمال حاکمیت است مانند برقراری نظم و انتظامات عمومی، تأمین امنیت و رفع مشکلات و اختلاف‌های قضایی افراد جامعه بازمی‌ماند. منظور از قضازدایی، خارج ساختن عملیات مربوط به رسیدگی و حل و فصل دعاوی از گردونه اقدامات رسمی است و قضا زدایی به عبارتی قطع و فصل دعوا به وسیله بخش اجتماعی است (عباسی و بوعزار، ۱۳۹۹، ۶۲).

۳- معیارهای حاکم بر قضازدایی از دعاوی خانوادگی

امروز در بسیاری از نظام‌های حقوقی رسیدگی به دعاوی خانوادگی از طریق روش‌های غیر قضایی امری متداول تلقی می‌گردد. لازمه شناسایی این روش‌ها، آشنایی با معیارهای حاکم بر این روش‌ها است که البته منحصر به نظام حقوقی خاصی نیستند و حاکم بر کلیه روش‌ها بدون توجه به مرز و زمان می‌باشند. در این بخش معیارهای ذیل بررسی می‌شوند:

۱-۲- آزادی و حاکمیت اراده زوجین

بر اساس این معیار، زوجین در انتخاب شیوه غیر قضایی تا استقرار قواعد مرتبط- از مکان حل و فصل اختلاف و قانون حاکم (ماهوی یا شکلی) گرفته تا جزئیات رسیدگی- آزادند. آنچه موجب سلب صلاحیت از دادگاه و مجوز رسیدگی از طریق طرق غیر قضایی می‌شود، قرارداد خصوصی

^۱. Diversion

زوجین است. زوجین با توافق یکدیگر، مرجع رسیدگی به حل و فصل اختلافشان را طرق غیر قضایی انتخاب می‌کنند. آنچه به آن مرجع خاص صلاحیت بررسی پرونده و تلاش برای رفع اختلاف می‌بخشد، اراده‌های زوجین طرف اختلاف می‌باشند. به‌عنوان مثال میانجی‌گر، اختیار یا قدرت خود را از توافق صریح یا ضمنی طرفین به دست می‌آورد و او فی‌نفسه این اختیار را ندارد (Mayer, ۱۹۸۷, p.۷۵). اگر یکی از زوجین تصمیم بگیرد از این اختیار و قدرتی که به میانجی‌گر داده است، صرف‌نظر نماید، این اقدام به میانجی‌گری پایان خواهد داد؛ این در حالی است که در رسیدگی‌های قضایی، اراده نقش زیادی ندارد و تنها می‌تواند مقررات تکمیلی را تغییر دهد. در دادرسی قضایی، برتری با قانون است که به‌وسیله آن حدود حقوق و آزادی‌های افراد در جامعه مشخص می‌گردد. نکته قابل‌ذکر این است که تمامی طرق قضازدایی بر پایه آزادی طرفین برای فیصله دادن به اختلافاتشان از طریق یک توافق داوطلبانه استوارند و این اصل منحصر به دعاوی خانوادگی نیست. این آزادی به‌طور ضمنی به معنی آزادی برای تدارک هر نوع آیین رسیدگی برای حل و فصل اختلاف و همچنین دربردارنده تمایل برای صدور حکم الزامی از طرف ثالث هست. هنگامی که این فرایند به نتیجه الزام‌آور منتهی نمی‌شود، آن فرایند به‌صورت مضاعف ارادی خواهد بود؛ هم شرکت در فرایند و هم پذیرش نتیجه آن منوط به تصمیم طرفین خواهد بود (Bühning-Uhle, ۲۰۰۶, p.۲۷۰).

۲-۲- گستره محدود قضازدایی در دعاوی خانوادگی

تشویق بیش‌ازحد طرفین به اصلاح امور و رفع مخاصمات از راه میانجیگری که در منابع اسلامی آمده است. تعارضات و دعاوی موجود در هر زمینه‌ای را در برمی‌گیرد؛ از این‌رو، نظریه غیر قضایی ساختن، نه تنها در دعاوی مدنی مورد تأکید است، بلکه به بسیاری از منازعات کیفری نیز راه‌یافته است (صادقی، ۱۳۸۴، ۳۴). بنابراین قضازدایی با قید ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری شامل همه دعاوی خانوادگی می‌شود و گستره آن محدود به زمینه خاصی نیست.

۲-۳- رعایت حق دفاع زوجین و دادرسی عادلانه

این اصل گاهی ذیل عنوان انصاف و رعایت اصل بی‌طرفی و استقلال مورد بحث قرار گرفته است. در واقع هدف از رعایت حق دفاع، برقراری تساوی و برابری در رسیدگی است.

هریک از زوجین در اصل باید در ارائه اظهارات شفاهی و کتبی خود آزاد باشند، تا از این طریق بتوانند اقامه دلیل کرده و به بهترین نحو ممکن از خود دفاع کنند. حق برخورداری از یک دفاع

منصفانه به‌طور مستقیم باعث به‌کارگیری اصل تدافعی می‌شود؛ با این‌وجود این حق تاندازه‌ای محدود شده است. یکی از این محدودیت‌ها مربوط به اصل نزاکت^۱ حین مباحثات هست. مطابق این اصل، زوجین و یا نمایندگان آن‌ها نمی‌توانند با ارائه دفاعیه خود به‌طور اجحاف‌آمیز از مدت‌زمان مجاز برای صحبت تجاوز کنند. هرگونه بهتان، ناسزا و یا تحقیر دادگاه و یا تحقیر طرف مقابل به‌موجب قانون ممنوع شده است (Malika, ۲۰۰۰, p. ۶۱۶).

۴-۲- لزوم رعایت محرمانگی دادرسی دعاوی خانواده

از جمله مؤلفه‌های مهم در میانجیگری کیفری، محرمانگی است و بدون رعایت این اصل در فرآیند میانجیگری، بعید است گفت‌وگوی معناداری بین طرفین اختلاف صورت گیرد. حصول اطمینان از مشارکت بزه دیده و بزه‌کار یکی از دلایل اصلی برای محرمانه بودن این فرآیند است (غلامی و مقدم، ۱۳۹۶، ۴۵). منظور از محرمانه بودن این است که جریان رسیدگی و حل اختلاف شامل همه اطلاعاتی که طرفین در طول رسیدگی‌ها از آن مطلع می‌شوند باید محرمانه باقی بماند و نباید برای اشخاص ثالثی که دخالتی در این روند نداشته‌اند افشاء گردد (درویشی هویدا، ۱۳۸۸، ۲۶۰). حسب ماده ۲۲ آیین‌نامه میانجیگری در امور کیفری « کلیه مطالب و اظهارات طرفین در فرآیند میانجیگری جنبه محرمانه دارد».

۳- اهداف قضا زدایی

جلوگیری از ورود به روند رسیدگی، جلوگیری از ایجاد رفتارهایی که منجر به اطاله دادرسی باشد که ممکن است این اطاله منجر به ایجاد منفعت به نفع احدی از طرفین پرونده شود. این قضا زدایی هم ناظر به خواهان و خوانده و هم جامعه و هم دستگاه دادرسی می‌تواند باشد.

۱-۳- در قبال خواهان

قضازدایی در قبال خواهان اهدافی را دنبال می‌کند که عبارتند از:

۱-۳- توجه به جایگاه خواهان در نظام دادرسی

مهم‌ترین هدف قضا زدایی توجه به جایگاه خواهان که طرف مطالبه‌گر پرونده هست است خواهان خواسته خود را با توجه به دلایل و مستندات به‌صورت دادخواست از دادگاه استدعای اعاده

۱. Principle of fairness

حق می‌نماید و در حاشیه توجهات نظام قضایی و دادرسی عادلانه قرار می‌گیرد نظام قضایی موضوع را احراز و خسارت را به زیان زنده تحمیل و استرداد می‌نماید خواهان به علت اینکه با حادثه زیان‌دیدگی امتیازات فراوانی را ازدست‌داده بنابراین در سرنوشت خود حق این را دارد که تعیین‌کننده باشد و برای خود تصمیم‌گیری نماید لذا ایشان نقش بسیار پررنگی در خاتمه موضوع جهت صلح و سازش می‌تواند داشته باشد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۳، ۲۰).

۲-۱-۳- التیام روانی و جبران خسارات زیان‌دیده

تدابیر قضا زدایی به‌غیراز جبران خسارات مالی و مادی به دنبال جبران خسارات روحی و روانی زیان‌دیده نیز است که متأسفانه در دستگاه قضایی در حال حاضر این موضوع به حاشیه رفته و توجه چندانی به آن نمی‌شود حتی خسارت مادی نیز پس از طی نمودن روند طولانی جبران‌پذیر نیست اما قضازدایی با توجه به برنامه‌هایی که دارد هدفش ترمیم مادی و روانی فرد زیان‌دیده است زیان‌دیده در فرایند رسیدگی مجالی برای توضیح آسیب‌های روحی و روانی که به خود و خانواده‌اش وارد شده است را ندارد اما در فرایند غیررسمی مانند میانجیگری این مجال را خواهد نمود و به علت اینکه در این فرایند غیررسمی ابزارهای متعددی مثل ندامت، استرداد مال ازدست‌رفته، معذرت‌خواهی و غیره استفاده می‌شود احتمال جبران و ترمیم خساراتی که برای زیان‌دیده به وجود آمده خواهد داشت.

۳-۱-۳- پیشگیری از اضرار مجدد زیان‌دیده

یکی از اهداف تدابیر قضا زدایی در طی فرآیندهای غیررسمی رسیدگی به دعاوی، کاستن از احتمال قربانی شدن است زیرا در برنامه‌های قضا زدایی، طرفین دعوا در جوی که قرار می‌گیرند به تفاهم و اعتماد و اطمینان نزدیک می‌شوند و فرد خاطی با واقعیت خطایی که منجر شده آشنا شده و نتیجه عملکردهای ناصحیح خود را قبول می‌کند. معمولاً در دستگاه قضایی بعد از محکومیت فرد خاطی، فرد زیان‌دیده از تلافی کردن و انتقام گرفتن خطاکار یا بستگان آن وحشت دارد اما در فرایندهای غیررسمی به علت اینکه صلح و سازش صورت می‌گیرد دیگر زمینه‌های کینه‌توزی و انتقام به وجود نمی‌آید. (امینی، ۱۳۸۴، ۲۵).

۲-۳- در رابطه با جامعه

قضازدایی در رابطه با جامعه اهدافی را دنبال می‌کند:

۱-۲-۳- ترمیم گسست‌های اجتماعی ناشی از تقصیر

از جمله اهداف برنامه‌های قضازدایی، جدا از شناسایی لطمات و صدمه‌های روحی و روانی زبان‌دیده، ترمیم اختلالات روابط اجتماعی جامعه نیز است مانند میانجیگری. چون در میانجیگری علاوه بر طرفین دعوی، جامعه محلی مثل اعضای خانواده، آشنایان، خویشاوندان و همسایگان نیز حاضر هستند. با از بین بردن مسئله صلح و سازش صورت می‌گیرد و در نهایت با ترمیم ارزش‌ها و تضعیف شدن هنجارهای اجتماعی طرفین با جامعه نیز به آشتی و مصالحه می‌رسند. (عباسی، ۱۳۹۵، ۱۰۳).

۲-۲-۳- مشارکت مؤثر نهادهای جامعه مدنی در نظام قضایی

برنامه‌های قضا زدایی از یک اصول مشارکتی دادرسی پیروی کرده که جامعه مدنی برای حل دعوی خود نمایندگانی را مدنظر دارد که این نمایندگان طی یک پویش و اطلاع‌رسانی گرد هم آمده و موضوع را بررسی و طرفین را دعوت به همکاری و مصالحه می‌نمایند و سعی در ترمیم روابط از بین رفته دارند و با تفکر و روش‌های سازنده برای تصحیح خطاها و رفتارهای ناصحیح شیوه‌های مناسبی را پیشنهاد می‌کنند.

۳-۳-۳- در رابطه با دستگاه قضایی

قضازدایی نیز اهدافی چون تراکم زدایی از پرونده‌ها، کاهش هزینه‌های دادرسی و... در ارتباط با نظام قضایی دار که عبارت‌اند از:

۱-۳-۳- کاهش ورودی پرونده‌ها

یکی دیگر از اهداف برنامه قضا زدایی جلوگیری از ورود پرونده‌ها به سیستم قضایی هست یعنی از همان ابتدا از ورود پرونده‌ها به دادگاه‌ها جلوگیری می‌کند و آن را از محدوده دادرسی خارج می‌سازد در نتیجه آمار موجودی پرونده‌ها کاهش یافته و دستگاه قضایی به مسائل بسیار مهم و دارای اهمیت بالا رسیدگی می‌کند. (امینی، ۱۳۸۴، ۵۴).

۲-۳-۳- کاهش هزینه‌های دادرسی

امروزه در جوامع مختلف از همان ابتدا هزینه‌های زیادی صرف هزینه خدمات قضایی، حق الوکاله وکیل، هزینه کارکنان دستگاه قضایی و غیره می‌گردد که قضا زدایی با به عهده گذاشتن قسمتی از امورات سیستم قضایی به نهادهای دیگر من جمله داور و میانجی‌گری قسمتی از بار هزینه را کاهش داده و صرف امورات دیگر به جهت بهبود و عملکرد می‌نماید. (همان: ۵۵).

۳-۳-۳- افزایش اعتماد عمومی به نظام قضایی

مردم نهاد قضایی را یک مرجع خشک رسمی و حاکم می‌دانند که این سیستم قضا زدایی سعی دارد که با روش‌های غیررسمی اعتماد مردم را به سیستم قضایی افزایش دهد.

۴- مکانیسم‌های قضازدایی از دعاوی خانوادگی در حقوق ایران

از جمله اهداف این نظام تقویت نهادهایی از جمله نهاد مؤثر داوری و ذکر باید‌ها در کلیه قراردادهای و عقود هست این موضوع می‌تواند در دعاوی خانوادگی نیز راه داشته باشد، تقویت نهادهای شبه قضایی شوراهای حل اختلاف از طریق مصالحه و صلح و سازش و کاهش حاکمیت دولت در بخش‌های اقتصادی هست اگر به این دستگاه‌ها بهاداده شود و در اولویت امر قرار گیرد کاهش پرونده‌ها به سیستم قضا آمار چشمگیری خواهد داشت لذا برای گسترش این نظام باید بستر مناسبی فراهم شود و در تمامی غالب‌ها و گرایش‌ها باید به‌طور جدی بسترسازی شود در غیر این صورت با مشکلات فراوانی به جهت تراکم پرونده‌های قضایی روبرو شده و اگر فکر اساسی برای مهار کردن این بحران صورت نگیرد اجرای عدالت قضایی و اجتماعی تحقق نخواهد گرفت.

۱-۴- نهاد داوری

خانواده شالوده جامعه انسانی و کانون اصلی رشد و تعالی افراد محسوب می‌گردد. با این حال در شرایطی ممکن است نهاد خانواده دچار تعارضات و اختلافاتی از جمله بین زوجین گردد. در این موارد باید تا حد امکان کوشید که اختلافات به نحوی حل‌وفصل گردد که به جایگاه ارزشمند خانواده و قواعد اخلاقی حاکم بر آن لطمه‌ای وارد نشود. اتکای صرف به قواعد حقوقی حل اختلافات از جمله ارجاع اختلاف به دادگاه و رسیدگی قضایی نمی‌تواند چندان پاسخگو و متناسب با شئون خانواده باشد. به نظر می‌رسد ارجاع اختلافات به داوری آن‌ها با شرایطی که قرآن کریم در سوره نساء بیان نموده (از طریق محکمه خانوادگی و قبل از تشدید اختلافات) تا حدود زیادی می‌تواند مانع از لطمه به حیثیت خانواده و قداست آن باشد. باوجود اصلاحاتی که در قوانین خانواده و به‌موجب قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱ به عمل آمد اما همچنان بر رویکرد قانون‌گذار نسبت به حل‌وفصل اختلافات خانوادگی از طریق داوری انتقاداتی وارد است و این رویکرد قرابت چندانی باتدبیر پیشگیرانه قرآن کریم در این زمینه ندارد. در این پژوهش رویکردهای موجود در این زمینه و چگونگی هماهنگی رویکرد قوانین با رویکرد قرآنی داوری در اختلافات خانوادگی موردبررسی قرار می‌گیرد.

خانواده واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است و به‌عنوان یک ساختار اجتماعی تصادفی محسوب نمی‌گردد اهمیت این نهاد به قدری است که اندیشمندان تدبیر منزل را در کنار سیاست متن از محورهای اساسی حکمت عملی قرار داده‌اند امروزه نیز در دنیا اهمیت خانواده و نقش بنیادین آن در پیش‌گیری از انحرافات جنسی و فساد اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است و از آن به‌عنوان سنگ بنای جامعه موفق یاد می‌شود حفظ بنیان خانواده در قوانین کشورها، اعلامیه‌ها و میثاق‌های بین‌المللی در اولویت توجه دولتمردان قرار گرفته است.

«داور» در لغت به معنی انصاف دهنده، قاضی، حکم اختصاصی و کسی است که میان مردم حکم و فصل دعوی کند (معین، ۱۳۸۷، ۱۰۶۲). همچنین به کسی گفته می‌شود که سمت قضایی در دستگاه دولتی ندارد و در مراعات بالقوه یا بالفعل رسیدگی کرده، فصل خصومت می‌کند و رأی می‌دهد (جعفری لنگرودی، ۱۴۰۰، ۶۸). این تعریف بامعنای حقوقی داوری قرابت بیشتری دارد. در اصطلاح حقوقی می‌توان داوری را «فصل اختلاف بین طرفین در خارج از دادگاه به وسیله شخص یا اشخاصی که طرفین یا ثالث آن‌ها را در این جهت انتخاب نموده باشند» دانست. (شمس، ۱۴۰۱، ۵۱۵).

با توجه به تعاریف فوق می‌توان نتیجه گرفت که داوری بر اساس توافق طرفین یا ثالث و خارج از مراجع رسمی است. در نتیجه بدون تشریفات بوده، با هزینه اندک و بر مبنای اعتماد و اطمینان طرفین با داور یا داوران شکل می‌گیرد. البته داوری در دعاوی مدنی و تجاری، تابع قواعد و تشریفات از جمله مقررات داوری در قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ خواهد بود. اما داوری در دعاوی خانوادگی، شیوه خاصی از داوری است که به‌طور عمده بر مبنای اعتماد اصحاب دعوی به داوران استوار است.

۲-۴- میانجیگری

میانجیگری فرآیندی است حاصل از مشارکت بزه‌کار - بزه دیده و شخص ثالث که میانجیگر نامیده می‌شود برای گفت‌وگو و به‌منظور حل و فصل اختلافات و توافق و تصمیم‌گیری راجع به چگونگی جبران بزه و تعیین مسئولیت بزه‌کار و کیفیت اعمال آن است. بنابراین در این فرآیند طرفین اختلاف به کمک میانجیگر به دنبال رسیدن به توافق مشترک هستند. در این فرآیند اختیار تصمیم‌گیری با طرفین اختلاف است و میانجیگر رأی و نظر خود را بر آنان تحمیل نمی‌کند (نجفی

ابرنآبادی، ۱۳۸۲، ۱۵؛ زهر، ۱۳۸۳، ۱۱۰؛ درویشی هویدا، ۱۳۹۰، ۱۳۶).

۳-۴- قاضی تحکیم از دیدگاه فقها

فقیهان بر صحت و مشروعیت قاضی تحکیم اتفاق نظر دارند (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۲۴۱؛ حلی، ۱۴۰۸ق، ۶۸؛ حلی، ۱۴۰۵ق، ۵۳۰؛ حلی، ۱۴۱۰ق، ۱۳۸ و اردبیلی، ۱۳۷۹، ۱۸۴). از منظر برخی از فقها قاضی تحکیم تنها در زمان حضور امام معصوم (ع) است ولی در زمان غیبت، قاضی تحکیم صحیح نیست و معنا ندارد (حلی، ۱۴۰۸ق، ۶۸؛ اردبیلی، ۱۳۷۹، ۱۸۴). از منظر برخی دیگر، قاضی تحکیم در زمان غیبت هم صحیح است و معنا دارد (سبحانی، ۱۳۷۶، ۳۲؛ حسن پور و انتخابیان، ۱۴۰۰، ۳۳).

گروه اول از دو جهت بر دیدگاه خود استدلال می‌آورند:

نخست این‌که از نظر مراتب علمی، فرقی بین قاضی منصوب و قاضی تحکیم وجود ندارد؛ بنابراین همان‌طور که در قاضی منصوب، اجتهاد شرط است در قاضی تحکیم نیز اجتهاد شرط است. دوم این‌که، در زمان غیبت امام (ع)، همه مجتهدین از طرف امام (ع) منصوب به قضاوت هستند، بنابراین معنا ندارد که یکی مأذون باشد و دیگری نباشد (حلی، ۱۴۰۸ق، ۶۸؛ اردبیلی، ۱۳۷۹، ۱۸۴).

گروه دوم بر استدلال گروه اول چنین پاسخ می‌دهند:

الف. در قاضی تحکیم، اجتهاد شرط نیست زیرا اگر بنا باشد که در اختلافات خانوادگی قاضی تحکیم، مجتهد باشد، کار بسیار مشکل است و کمتر موردی پیدا می‌شود که چنین باشد. ب. اگر در عصر غیبت، قاضی تحکیم صحیح نباشد، پس در عصر حضور امام (ع) هم چنین است؛ زیرا همان‌امام صادق (ع) که در عصر غیبت، هر مجتهدی را که به‌عنوان قاضی نصب کرده، در زمان حضور هم نصب کرده است، چون بیان امام صادق (ع) تنها برای زمان غیبت نیست بلکه برای همه زمان‌هاست (سبحانی، ۱۳۷۶، ۳۲).

۴-۴- شورای حل اختلاف

فلسفه وجودی شورای حل اختلاف در ماده ۱۸۹ قانون برنامه سوم توسعه به‌صورت ذیل بیان شده است: «به‌منظور کاهش مراجعات مردم به محاکم قضایی و در راستای توسعه مشارکت‌های مردمی، رفع اختلافات محلی و نیز حل و فصل اموری که ماهیت قضایی ندارد و ماهیت قضایی آن از پیچیدگی کمتری برخوردار است به شوراهای حل اختلاف واگذار می‌کند. حدود، وظایف و اختیارات

این شوراها، ترکیب و نحوه انتخاب اعضای آن بر اساس آیین‌نامه خواهد بود که به پیشنهاد وزیر دادگستری و تصویب هیئت‌وزیران و به تأیید رئیس قوه قضاییه می‌رسد». آنچه از اهداف تعریف‌شده برای شوراهای حل اختلاف در این ماده بارز است قضا زدایی با رویکرد حقوقی است. یعنی کاهش مراجعات مردم به محاکم قضایی، هدف اصلی این شوراها هست. اما موضوعی که جای تأمل و بررسی است این که هرچند این هدف عمده‌ترین و اصلی‌ترین هدف چنین نهادهایی مانند دادگاه‌های مجستری (صلح) و دادگاه‌های بخش در حقوق انگلستان هست یعنی کاهش مراجعات، جلوگیری از اطاله دادرسی، معافیت از پرداخت هزینه دادرسی، اجتناب از ضرورت رعایت تشریفات آیین دادرسی و... اما ادامه همین ماده با ابهاماتی که در صلاحیت کلی مطرح نموده است مانع از نیل به هدف تعریف‌شده در صدر ماده می‌گردد. تجربه نشان داده است هرزمان یک‌نهاد حقوقی از قالب و محدوده تعیین‌شده خارج شود زمینه اضمحلال خود را فراهم نموده است. این ابهامات در تعریف اصطلاحاتی مانند رفع اختلافات محلی، حل‌وفصل اموری که ماهیت قضایی ندارد، نهفته است. پیش‌بینی چنین مواردی دور از شأن قانون‌گذاری هست (احدی، ۱۳۹۰، ۲).

۱-۴-۴- وظایف شورای حل اختلاف در راستای قضا زدایی

نخست، ایجاد صلح و سازش میان طرفین در هر مرافعه و دعوایی چه حقوقی، چه مدنی خاص و چه کیفری، هدف اصلی این شوراها همین بوده است. صلح و سازش هیچ سقفی ندارد، چون اگر صاحب حق، سازش کند، دیگر بحثی در آن نیست. بنابراین دامنه صلح بیشتر پرونده‌ها را در برمی‌گیرد، تجربه‌ای هم که در دو سه دادگستری انجام‌گرفته، همین را نشان می‌دهد.

وظیفه دوم، قضاوت تحکیمی است که در این آیین‌نامه دیده‌شده است. قضاوت تحکیمی یعنی اینکه اگر طرفین رضایت بدهند که هرچه این شورا حکم کرد، آن را قبول کنند، این همان قاضی تحکیم است که در ماده ۶ قانون دادگاه‌های عام آمده است. این نوع قضاوت هم در حقیقت یک نوع صلح است ولی صلح ابتدایی، شبیه شرط داوری است که در قراردادهای آورده می‌شود. بعضی از فقها نیز از همین باب، قضاوت تحکیم را قبول دارند. قضاوت تحکیم، صلح و سازش الزامی است که چون از قبل با تراضی و طرفین انجام‌گرفته است، پس از صدور حکم قاضی تحکیم، طرفین ملزمند آن را قبول کنند. این کار هم به نظر من اگر ما اصل قاضی تحکیم را با این دید قبول داشته باشیم و از نظر فقهی اشکالی در آن نگیریم، شرایط خاصی را در قاضی تحکیم لازم ندانیم، می‌تواند از وظایف این

شورا قرار داده شود. اما اگر در قاضی تحکیم، شرایط قاضی اصلی را لازم بدانیم، آن وقت می‌بایست دامنه این وظیفه را در شوراهای حل اختلاف محدود کرد و آیین‌نامه را نیز اصلاح کرد. وظیفه سوم شوراها که در این آیین‌نامه آمده، قضاوت در محدوده‌هایی است که معین شده است، مانند رسیدگی به جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها کمتر از ۹۱ روز حبس است و نیز رسیدگی به سطح معینی از مرافعات حقوقی در صلاحیت این شوراهاست. این قضاوت از نوع قضاوت قضات منصوب است و قضاوت تحکیم نیست.

وظیفه چهارم، برخی صلاحیت‌های اجرایی است که برای شوراها در این آیین‌نامه ذکر شده است، مانند رسیدگی به دعاوی خلع ید و تخلیه اماکن مسکونی، الزام به انجام شروط و تعهدات در معاملات و قراردادهای، مراقبت از آثار جرم (سخنرانی در جلسه شورای روسای کل دادگستری استان‌ها ۱۳۸۱/۳/۲۳).

۵- پیامدهای مثبت قضازدایی از دعاوی خانوادگی

تدابیر و سازوکارهای قضا زدایی پیامدهایی دارد که هرکدام از آن‌ها را به تفکیک بیان نموده و تشریح خواهیم کرد. آثار قضا زدایی عبارتند از:

۱-۵- خروج فرد از فرایند رسیدگی

با توجه به معایبی که حضور فرد در فرایند دادرسی دارد و سبب سرخوردگی افراد و خوردن برچسب بر آن‌ها خواهد گردید لذا با اعمال سازوکارهای قضا زدایی مانند سازش، مصالحه، میانجی‌گری و ... فرد دعوت شده از فرایند رسیدگی خارج می‌شود و از معایب آن پرهیز خواهد شد (امینی، ۱۳۹۳، ۴۸).

۲-۵- صرفه‌جویی در هزینه‌های اجرای عدالت

با توجه به اینکه رسیدگی خارج از فرایند دادرسی رسمی به صورت ساده و بدون رعایت تشریفات و آئین خاص و در مواقعی به وسیله جامعه مدنی و به صورت رایگان صورت می‌پذیرد؛ همچنین چون هدف آن بیشتر صلح و سازش و رفع اختلاف هست و رسیدگی به اختلاف را از دوئل قضایی خارج می‌کند مانع از اعمال فشارهای مادی بر افراد و دستگاه قضایی گردیده و باعث می‌شود که در هزینه‌های عدالت صرفه‌جویی گردد. در فرایند غیررسمی هزینه‌های پیرا قضایی مانند وکالت، کارشناسی و ... نیز بر طرفین تحمیل نمی‌گردد.

۳-۵- افزایش نقش جامعه مدنی در رسیدگی‌های حقوقی

با توجه به اینکه هدف قضا زدایی بردن عدالت به میان مردم و استفاده از جامعه مدنی و مردم در رسیدگی به اختلافات و حل و فصل مسالمت‌آمیز دعاوی هست، لذا از طریق ایجاد نهادهایی مانند هیئت‌های حل اختلاف محلی از طریق جامعه مدنی به جرائم رسیدگی می‌نمایند. لذا تدابیر قضا زدایی باعث افزایش نقش جامعه مدنی در فرایند عدالت و جلب مشارکت مردم در اجرای عدالت خواهد شد (نجفی، ۱۳۹۷، ۱۸).

۴-۵- برقراری روابط مسالمت‌آمیز میان مردم

تدابیر قضا زدایی در جهت حل و فصل دعاوی هستند تا اعمال محکومیت، لذا با توجه به اینکه طرفین دعوا رود روی هم قرار نمی‌دهند بلکه آن‌ها در کنار هم، در کنار اعضای جامعه محلی، مانند میانجی‌گری، دوستان، آشنایان و همسایگان درجهت رسیدن به یک‌راه حل مرضی‌الطرفینی قرار می‌دهند و هدف هرکدام از آن‌ها غلبه بر دیگری نیست و هرکدام از طرفین دعوا پس از اتمام فرایند غیررسمی دادرسی راضی از فرایند مربوطه خارج می‌شوند لذا این امر باعث برقراری روابط مسالمت‌آمیز میان مردم خواهد شد و از حالت‌های انتقام‌جویانه جلوگیری خواهد نمود

۵-۵- کاهش جمعیت کیفری مالی

تدابیر قضا زدایی که در جهت اعمال محکومیت مالی نیستند و سعی در برقراری صلح و سازش بین طرفین دارند لذا در صورت موفقیت آن‌ها مانع از محکومیت مالی افراد به حبس خواهد گردید بنابراین باعث کاهش جمعیت کیفری افراد مدیون خواهند گردید. (نجفی، ۱۳۹۷، ۵۶).

۶-۵- کاهش حجم کار مراجع قضایی

سازوکارهای قضا زدایی که رسیدگی به دعاوی را به سایر نهادهای دولتی و جوامعی واگذار می‌نمایند یا از طریق مصالحه و سازش و ... مانع از ادامه فرآیند دادرسی می‌شوند لذا کاهش حجم کار مراجع قضایی را به دنبال خواهد داشت (نجفی، ۱۳۹۷، ۵۶)

۷-۵- کاستن از تبعات سوء محاکم قضایی و مقابله با برچسب‌زنی

یکی از ایراداتی که حقوقدانان بر فرآیند رسیدگی قضایی و ورود افراد در این فرآیند وارد می‌نمایند، انگ زنی و خوردن برچسب است لذا فرد نیز رفتار خود را با یک فرد محکوم منطبق می‌نماید. همچنین ورود افراد در فرآیند دادرسی تبعات سوء بسیاری دارد و باعث سرخوردگی افراد و

آسیب‌های روحی و روانی زیادی در افراد خواهد شد و برخوردهای نامناسب پلیسی و قضایی نیز بر تبعات سوء آن خواهد افزود لذا تدابیر قضا زدایی مانع از خوردن برچسب بر افراد خواهد شد و تبعات سوء محاکم قضایی نیز کاسته خواهد شد. (امینی، ۱۳۹۷، ۵۷).

۸-۵- رهایی زیان دیدگان از سرگردانی ناشی از پیچیدگی دستگاه قضایی

رسیدگی به پرونده در دستگاه قضایی با رعایت آیین رسیدگی خاص و رعایت تشریفات مربوطه صورت خواهد گرفت که این امر از پیچیدگی خاص خود برخوردار است، که افرادی که وارد این فرآیند می‌شوند می‌بایست با این تشریفات تا حدودی آشنا باشند که در صورت عدم آشنایی باعث سرگردانی آن‌ها خواهد شد که سازوکارهای قضا زدایی چون فاقد تشریفات خاصی هست باعث رهایی زیان دیدگان از سرگردانی ناشی از پیچیدگی دستگاه قضایی خواهد گردید.

۶- آثار قضای زدایی در دعاوی خانوادگی

معمولاً در قضاوت‌های دستوری و حکمی، یک‌طرف و گاهی هر دو طرف ناراضی‌اند، اما در صلح چون هر دو طرف چون خودشان صلح و سازش را پذیرفته‌اند، به نتیجه آن رضایت می‌دهند. ناراضی‌ها و تنش‌ها و انتقام‌جویی‌ها و کشمکش‌هایی که در پی قضاوت دستوری و حکمی ایجاد می‌شود، همه در مصالحه از بین می‌رود. هزینه‌های سنگین قضایی - چه هزینه‌های مادی چه هزینه‌های انسانی، چه هزینه‌های روانی و اجتماعی و خانوادگی - همه در قضاوت مردمی بر اساس صلح و سازش از بین می‌رود. نتیجه‌ای که از حل و فصل مرافعه بر اساس داوری و صلح و سازش به دست می‌آید نتیجه واقعی است، برخلاف حکم حاکم که ظاهری است. حاکم ممکن است خطا کند، حکم قاضی حجت و نافذ است، ولی همیشه مطابق با واقع نیست. در مصالحه و سازش چون به رضایت طرفین منتهی می‌شود به صحت واقعی می‌رسیم، اما در صدور حکم قضایی به صحت ظاهری می‌رسیم. این خود یک فرق اساسی میان این دو نوع فصل خصومت است، بریکی آثار واقعی مترتب است و بر دیگری آثار ظاهری. از دیگر آثار مصالحه، ترویج فرهنگ گذشت و عفو است که در آیات کثیری از قرآن و نیز در روایات بران تأکید بسیار شده است. یکی از مهم‌ترین مقاصد شریعت این است که انسان‌ها را تربیت کند تا از حقوق مادی و دنیوی خود در راه دیگران در راه جامعه در راه خدا بگذرند، چون منشأ همه فتنه‌ها و نزاع‌ها و جنجال‌ها و همه پلیدی‌ها و فسادها و ظلم‌ها، همین تعلقات دنیوی است، حب الدنیا رأس کل خطیئه، همه خطاها و گناه‌ها و فسادها و ستم‌ها به حب دنیا

برمی‌گردد. فرهنگ صلح و سازش انسان‌ها را تربیت می‌کند که برای مصالح مهم‌تر، از حقوق دنیوی خود بگذرند، اگر کسی از حق کوچکی گذشت، تربیت می‌شود، تکامل پیدا می‌کند و از حق بالاتر می‌گذرد. شکل‌های گوناگون دیگری هم برای گسترش روند مصالحه هست که آن‌ها هم بایستی به تدریج نهادینه شود، محاکم صلح از این دست است که بایستی احیا شود، نهادهای داوری باید تکثیر شود و مراجعه به داور در متن قراردادها گنجانده شود. نهادهای گوناگون دیگری هم می‌بایست به تدریج احیا شود تا فرهنگ صلح و داوری و حکمیت که در فقه اسلام بر آن تأکید شده است، استقرار یابد. این تأکیدات فقط نصیحت نیست، بلکه در حقیقت بینش و مبانی اسلامی در امر قضاوت است. چقدر از این سیاست‌ها در فقه غنی خود داریم که متأسفانه به آن یا توجه نشده یا اگر شده به عنوان استحباب و آداب القضاء به آن نگاه شده است. در حالی که این احکام، فقط آداب نیست، بلکه سیاست‌ها و اصول مدیریتی است که می‌بایست استخراج و تدوین شده و به صورت قانون درآید. آن وقت ببینید همین احکامی که به عنوان آداب القضاء به آن نگاه می‌کنیم، چه آثار و برکاتی دارد.

۷- نتیجه‌گیری

تشکیل و تحکیم بنیان خانواده در اسلام از اهمیت والایی برخوردار است. بر این اساس، هرگاه میان زن و شوهر شکاف و اختلاف ایجاد شود، راهکار قرآن ارجاع داوری به قاضی تحکیم است. در نظام حقوقی ایران نیز با الگو قرار دادن این راهکار قرآنی، ارجاع دعاوی خانوادگی به داوری خارج از دستگاه قضا پیش‌بینی شده است. با توجه به معایب و مشکلات فراوان رسیدگی به دعاوی در درون دستگاه قضایی، بهترین راه برای از بین بردن و کاستن معایب و مشکلات این امر، قضا زدایی است. قضا زدایی عبارت است از حل و فصل دعاوی خارج از سیستم قضایی و ارجاع داوری به افراد و نهادهای ذی‌صلاح خارج از قوه قضاییه. حل و فصل دعاوی خارج از دستگاه قضایی به‌ویژه دعاوی خانواده مورد توجه نظام حقوقی اسلام و بسیاری از نظام‌های حقوقی از جمله نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که قضا زدایی از دعاوی خانواده با استفاده از نهادهایی مانند داوری، میانجی‌گری، مصالحه و شورای حل اختلاف، می‌تواند به کاهش حجم پرونده‌ها، کاهش هزینه‌های مادی، انسانی، روانی، اجتماعی و خانوادگی، کاهش جمعیت کیفری، کاستن از تبعات سوء داوری قضایی، افزایش اعتماد عمومی و افزایش نقش جامعه مدنی در رسیدگی‌های حقوقی و از همه مهم‌تر تحکیم بنیان خانواده منجر شود.

منابع و مأخذ

۱. آنسل، مارک (۱۳۹۵). دفاع اجتماعی، ترجمه محمد آشوری و دکتر علی حسین نجفی ابرنآبادی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ پنجم
۲. اردبیلی، احمد بن محمد (۱۳۷۹). مجمع الفائده و البرهان، چاپ سوم، قم: مؤسسه نشر اسلامی
۳. احدی، فاطمه (۱۳۹۰). «شورای حل اختلاف و آموزه‌های قضا زدایی، تعارض یا تعامل»، همایش منطقه‌ای آسیب‌شناسی شورای حل اختلاف، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه
۴. اسدی، لیلا سادات (۱۳۹۷). درس‌نامه حقوق کیفری خانواده، تهران: نشر دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ سوم
۵. اسدی، لیلا و شکری، فریده (۱۳۹۳). آیین دادرسی امور و دعاوی خانوادگی، جاودانه: تهران، چاپ اول
۶. افشارنیا، طیب و مبین، حجت (۱۳۸۹). اطاله دادرسی و توسعه قضایی، تهران: انتشارات خرسندی
۷. امینی، محمد (۱۳۸۴). قضا زدایی و جایگاه آن در نظام کیفری ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی
۸. امینی، محمد (۱۳۹۷). قضا زدایی و جایگاه آن در نظام کیفری ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی
۹. سبحانی، جعفر (۱۳۷۶). نظام القضاء و الشهادة فی الشریعة الاسلامیة الغراء، چاپ اول، قم: مؤسسه الامام الصادق (ع)
۱۰. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۴۰۰). ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش: تهران، چاپ سی و پنجم
۱۱. حسن پور تیجی، ام البنین و انتخایبان، عذرا (۱۴۰۰)، بررسی نهاد داوری سازمانی در حقوق ایران با رویکردی بر مبانی مشروعیت آن، پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، شماره شصت و پنج.
۱۲. حلّی، جعفر بن الحسن (۱۴۰۸ق). شرایع الاسلام، چاپ سوم، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان
۱۳. حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۱۰ق). ارشاد الاذهان، چاپ اول، قم: مؤسسه نشر اسلامی
۱۴. حلّی، یحیی بن سعید (۱۴۰۵ق). الجامع للشرائع، چاپ اول، قم: مؤسسه سید الشهداء
۱۵. خزائی، منوچهر (۱۳۹۳). فرآیند کیفری، تهران: انتشارات گنج دانش
۱۶. درویشی هویدا، یوسف (۱۳۸۸). شیوه‌های جایگزین حل و فصل اختلاف، تهران: نشر میزان.
۱۷. درویشی هویدا، یوسف (۱۳۹۰). مطالعه ای بر میانجیگری به‌عنوان روش دوستانه حل و فصل

- اختلافات، فصل نامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۱، ش ۴.
۱۸. زهر، هوارد (۱۳۸۳). عدالت ترمیمی، ترجمه حسین غلامی، تهران: مجد.
۱۹. شمس، عبدالله (۱۴۰۱). آئین دادرسی مدنی، جلد اول، نشر میزان: تهران
۲۰. صادقی، محمدهادی (۱۳۸۴). قضا زدایی در حقوق جزای اسلام، مجله تخصص الهیات و حقوق، شماره ۱۵ و ۱۶
۲۱. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۰۷ق). الخلاف، چاپ اول، قم: مؤسسه نشر اسلامی
۲۲. عباسی، عاطفه و بوعدار، رکسانا (۱۳۹۹). «قضا زدایی جرایم خانوادگی، از نظریه تا اجرا»، دو فصلنامه علمی فقه و حقوق خانواده، دانشگاه امام صادق (ع) پردیس خواهران، دوره ۲۵، شماره ۷۲
۲۳. عباسی، مصطفی (۱۳۹۵). افق‌های نوین عدالت کیفری (میانجیگری کیفری)، انتشارات دانشور، چاپ سوم
۲۴. عمید، حسن (۱۳۹۳). فرهنگ فارسی عمید، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ سی و دوم
۲۵. غلامی، حسین و مقدم، علی (۱۳۹۶). «محرمانگی در فرآیند میانجیگری کیفری»، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، شماره ۲.
۲۶. لبافیان، لیلا (۱۳۹۵). قضا زدایی در دعاوی حقوقی چالش‌ها و راهکارها، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی
۲۷. محمودی، جواد (۱۳۸۵). «قضا زدایی و جرم‌زدایی از منظر قانون اساسی»، مجله تخصصی الهیات و حقوق، شماره ۱۹
۲۸. معین، محمد (۱۳۸۷). فرهنگ فارسی معین، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ پانزدهم، جلد سوم
۲۹. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۲). از عدالت کیفری «کلاسیک تا عدالت ترمیمی»، الهیات و حقوق، شماره ۹ و ۱۰
۳۰. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۲). دیباچه ای بر کتاب افق‌های نوین عدالت ترمیمی در میانجیگری کیفری، اثر مصطفی عباسی، تهران: دانشور.
۳۱. نجفی، ایمان (۱۳۹۵). قضا زدایی از دعاوی خانواده بامطالعه فقهی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، وزارت علوم تحقیقات و فناوری، دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی